

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۹، شماره پیاپی ۳۳، بهار ۱۳۹۸

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

ارزیابی میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان به لحاظ برخوردری از خدمات رفاه اجتماعی^۱

مجید کریم‌زاده^۲: استادیار گروه اقتصاد، مجتمع آموزش عالی سراوان، سراوان، ایران

بهزاد کریم‌زاده: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد توسعه، مجتمع آموزش عالی سراوان، سراوان، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۰

صص ۹۴-۸۱

دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۰

چکیده

استان سیستان و بلوچستان با توجه به مرزی بودن و دوری از مرکز، در اکثر شاخص‌های توسعه از محروم‌ترین استان‌های کشور است. در این استان با توجه به وسعت زیاد و پراکندگی شهرستان‌ها، منابع و امکانات موردنیاز توسعه به صورت یکسان و متوازن توزیع نشده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان به لحاظ داشتن خدمات رفاه اجتماعی انجام گرفته است. اطلاعات موردنیاز تحقیق از سالنامه آماری سال ۱۳۹۳ استان اخذ شده و به منظور تعیین سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان از خدمات رفاه اجتماعی، از آمارهای سازمان‌های بهزیستی، کمیته امداد امام (ره) و تامین اجتماعی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق، مشتمل بر ۱۹ شهرستان با توجه به تقسیمات سیاسی اداری در سال ۱۳۹۵ می‌باشد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مدل‌های مورد استفاده جهت رتبه‌بندی شهرستان‌های استان، تکنیک‌های تاپسیس و موریس می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد که با توجه به معیارهای در نظر گرفته شده برای سطح‌بندی شهرستان‌ها، بر اساس شاخص موریس به ترتیب شهرستان‌های زاهدان، زابل، نیکشهر و ایرانشهر برخوردارترین و شهرستان‌های فنوج، قصرقند، مهرستان و میرجاوه کم برخوردارترین شهرستان‌های استان می‌باشند. همچنین براساس تکنیک تاپسیس نیز مشخص شد که، شهرستان‌های زاهدان، ایرانشهر، نیکشهر و زابل برخوردارترین شهرستان‌های استان و شهرستان‌های میرجاوه، قصرقند، فنوج و مهرستان کم برخوردارترین شهرستان‌های استان از لحاظ برخورداری آنها از شاخص‌های رفاه اجتماعی هستند.

واژه‌های کلیدی: توسعه یافتگی، رفاه اجتماعی، تاپسیس، شاخص موریس، سیستان و بلوچستان.

^۱. این مقاله از طرح تحقیقاتی به شماره ۹۶۰۲ و با عنوان "سنجش و ارزیابی شکاف توسعه‌یافتگی در استان سیستان و بلوچستان" که با حمایت مالی مجتمع آموزش عالی سراوان انجام شده، استخراج گردیده است.

^۲. نویسنده مسئول: karimzadeh111@yahoo.com، ۰۹۳۳۸۷۶۶۸۹۸

مقدمه:

در رویکردهای جدید رفاه اجتماعی، نقش نسبی دولت، بخش خصوصی و افراد در حال تغییر است (Thompson, 1994:3). رفاه اجتماعی را می‌توان سیستم و نظامی از خدمات یا مؤسسه‌ها و یا نهادهای اجتماعی دانست که به منظور خدمت و کمک به افراد به وجود آمده است تا سلامت، زندگی بهتر و موجبات روابط مناسبتری را برای پیشرفت استعدادها، قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های انسانها به منظور رفاه آنها فراهم آورد. رفاه اجتماعی با توجه به اهمیت آن و نیاز همه‌ی احاد یک جامعه، وظیفه‌ی خطیری جهت رعایت اصل برابری در ارائه خدمات رفاهی در اقصی نقاط یک کشور دارد. در کشور ما فعالیت‌ها در حوزه رفاه اجتماعی در قالب خدمات حمایتی (غیربیمه‌ای) و بیمه‌ای توسط سازمان‌ها و مراکز متعدد دولتی و غیردولتی انجام می‌گیرد. سرعت و شدت تغییرات در جوامع امروزی و بروز آسیب‌های اجتماعی مختلف و نوپدید، سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات رفاه اجتماعی را با چالش‌های فراوانی مواجه ساخته است (امینی و مصدق زاده، ۱۳۹۴: ۵). سازمان‌های ارائه‌دهنده اینگونه خدمات، نیازمند برنامه‌ریزی صحیح به منظور خدمات‌رسانی مناسب به اقشار نیازمند جامعه هستند. بر اساس اکثر پژوهش‌های انجام گرفته در کشور، مقدار شاخص رفاه اجتماعی در میان استان‌های مختلف کشور، متفاوت است. استان سیستان و بلوچستان با توجه به محرومیت‌های گسترده خود، در میان استان‌های کشور، اغلب حائز رتبه آخر است. برای رسیدن به تعادل در سطح کشور توسل به برنامه‌ریزی منطقه‌ای که در پی ایجاد تعادل "درون- منطقه‌ای" و "بین- منطقه‌ای" است، می‌تواند مفید باشد. رسیدن به تعادل بین- منطقه‌ای مستلزم برقراری تعادل درون- منطقه‌ای است. برای برقراری تعادل درون- منطقه‌ای لازم است که برنامه‌ها و اقداماتی در جهت یکسان‌سازی بخش‌های نامتعادل اجرا شود. به این منظور شناخت بخش‌های گوناگون منطقه مورد نظر ضروری است، تا بتوان براساس این شناخت، برای بخش‌ها با توجه به اولویت‌شان برنامه‌ای مناسب تدوین کرد، نمی‌توان برای منطقه نامتعادل، مانند منطقه متعادل نسخه‌ای واحد پیچید (لطیفی و سجاسی قیداری، ۱۳۹۰: ۱۶۶). این پژوهش بدنبال آن است تا نشان دهد، سطح برخورداری مردم از خدمات رفاه اجتماعی در این استان محروم، متناسب با نیاز این مناطق نبوده و از سویی سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی که با هدف کمک به اقشار ضعیف جامعه و ایجاد عدالت اجتماعی بوجود آمده‌اند، نیازمند تحلیل‌های محیطی از تمایزها و تفاوت‌های سطح توسعه استان برای برنامه‌ریزی‌های آتی خود می‌باشند. این پژوهش بنا دارد با ارایه تصویری از این تفاوت‌ها و تمایزهای موجود بین شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان به لحاظ برخورداری از شاخص‌های رفاه، مبنای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را برای آن سازمان‌ها فراهم کند. همچنین به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- ۱) آیا در استان سیستان و بلوچستان خدمات رفاه اجتماعی بصورت عادلانه توزیع شده است؟
- ۲) آیا شهرستان‌های شمالی استان از لحاظ برخورداری از خدمات رفاه اجتماعی از وضعیت مناسب‌تری برخوردار هستند؟
- ۳) آیا شهرستان‌های تازه تاسیس استان (میرجاوه، فنوج، قصرقند، مهرستان، سبب و سوران، کنارک هیرمند، هامون و نیمروز) جزء محرومترین شهرستان‌های استان از لحاظ برخورداری از خدمات رفاه اجتماعی هستند؟

پیشینه و مبانی نظری تحقیق:

توسعه به عنوان پروژه جهانی (سرور، ۱۳۹۱: ۶۰)، فرایندی تدریجی در پیشرفت موقعیت بشر، شامل انجام فعالیت برای رسیدن به رشد مادی و تکامل اجتماعی در طول زمان است (Riddell, 2004:12). هدف اصلی توسعه حذف نابرابری‌هاست، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است (قرخلو و حبیبی، ۱۳۸۵: ۶۰). توسعه را باید جریانی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواست‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع و حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می‌یابد. به منظور رسیدن به این مقصود و کامیابی در این راه باید به برنامه‌ریزی توسعه اهمیت داده شود (تودارو، ۱۹۹۹: ۸۸). اما در کشورهای جهان سوم وجود انواع دوگانگی‌های نامطلوب نظیر؛ دوگانگی منطقه‌ای در مسیر توسعه‌یافتگی آن‌ها مشکلاتی ایجاد می‌کند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۹).

یکی از نظریاتی که برای درک هر چه بهتر فرآیند توسعه و پدیده‌های وابسته به آن (مانند رفاه منطقه‌ای و نابرابری‌های درآمد) در دسترس است، نظریه مرکز- پیرامون "جان فرید من" است. وی الگوهای کلی توسعه اقتصادی (روستو ۱۹۶۰، پیربیش ۱۹۵۰) و نیز استراتژی‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای (ایزارو ۱۹۶۰ و رادوین ۱۹۷۳) را در هم آمیخت تا الگوی معیاری و ساده توسعه منطقه

ای را در کشورهای کمتر توسعه یافته عرضه کند. مطابق این نظریه نظام فضایی کشور به دو جزء نظام سکونتگاهی مرکز (به عنوان قدرت و سلطه) و پیرامون (به عنوان جزء وابسته به مرکز) تقسیم می‌شود. این نظام به نوبه خود زیر نظامی است از یک نظام بین-الملل که در قالب آن با سایر زیرنظام‌ها در کنشی متقابل است چنین رابطه‌ای را هم در سطح ملی (بین مناطق و مرکز) و هم در سطح درون منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی می‌توان به کار برد (فلاح، ۱۳۸۲: ۹۵). فریدمن ضمن فاصله گرفتن از بحث صرفاً اقتصادی به سمت ایجاد پیوندهای بین قطبی شدن منطقه‌ای، کنش‌های متقابل و نظریه نوسازی حرکت می‌کند. به عقیده او هر کشوری از یک یا چند بخش هسته‌ای و نواحی پیرامونی تشکیل می‌شود. در حقیقت قطب‌های عمده، مناطق هسته‌ای را تشکیل می‌دهند و نواحی پیرامونی نیز براساس روابطی که با هسته مربوطه دارند تعریف می‌شوند. مناطق هسته‌ای اثر تعیین کننده‌ای بر پیرامون دارند و برتری خود را از طریق سلطه، اثر اطلاعاتی، اثر مدرنیزاسیون، اثر پیوند و اثر تولیدی بر آنها اعمال می‌کنند. فریدمن برای تبیین رابطه بین توسعه اقتصادی و ساختار فضایی در سطح منطقه‌ای چنین استدلال می‌کند که سازمان فضایی هر اقتصاد ملی در جریان حرکت خویش از یک حالت پیش صنعتی (کشور تازه مستعمره و بکر) به حالت بلوغ صنعتی (نظام یکپارچه شهری و منطقه‌ای تحول می‌یابد (اجلالی، ۱۳۷۳: ۸۷). نظریه مهم دیگری که در این زمینه وجود دارد نظریه قطب رشد است. نظریه قطب رشد به سرمایه‌گذاری کلان در صنایع در بزرگ‌ترین شهرها تأکید دارد. تئوری پرداز اصلی این نظریه (فرانسو پرو) معتقد است که جوهر و اصل توسعه صنعتی از نظر فضایی این واقعیت است که رشد یکباره و در همه جا ظاهر نمی‌شود. بلکه ابتدا در کانون‌هایی با شدت مختلف ظاهر شده و از طریق مسیرهای متنوع و با تأثیرات نهایی گوناگون بر کل اقتصاد تأثیر می‌گذارد. می‌توان گفت قطب رشد یعنی کانون انتشار جریان‌های اقتصادی که بعداً از طریق مسیرهایی، رشد را در کل منطقه پخش می‌کند (عباس پور، ۱۳۹۳: ۳۲). قطب رشد با استراتژی رشد از داخل دارای مفاهیمی است که عبارتند از: - صرفه جویی‌های داخلی شامل کاهش هزینه واحد تولید ناشی از دسترسی به خدمات فراهم شهری - صنایع پیشاهنگ و بخش پیشتاز. میردال و هیرشمن از نخستین کسانی بودند که کاربردهای مکانی فرایند توسعه را شناختند و از این طریق برای ایجاد پیوند میان مدل‌های رشد اقتصادی و نظریه توسعه منطقه‌ای اقدام کردند. نظریات آنها واجد عناصری است که پرو آن را قطب رشد می‌نامید. توجه هیرشمن بر رشد اقتصادی نامتعادل بود و معتقد بود که توسعه از طریق زنجیره عدم توازن به وجود می‌آید. به عقیده وی سرمایه‌گذاری استراتژیکی در صنایع و بخش‌های مختلف راه را برای سرمایه‌گذاری در بخش‌ها یا صنایع دیگر هموار خواهد کرد. بارشده بخش پیشتاز و ایجاد ارتباط بین این بخش و سایر بخش‌های اقتصادی می‌توان شرایط تسهیل روند توسعه را ایجاد کرد (قره باغیان، ۱۳۷۰: ۱۱۵).

در نقد و بررسی کارایی این نظریه باید گفت که؛ پرو قطب رشد را به جای یک مکان جغرافیایی بطور خاص در یک فضای اقتصادی مطلق می‌نگرد. آنچه که آشکارا در این خط‌مشی نادیده گرفته می‌شود، این واقعیت است که هر تأثیر تقویت کننده‌ای لزوماً در یک منطقه معین عمل نمی‌کند و به راحتی ممکن است آثار گسترش محلی توسط آنچه که فریدمن استعمار داخلی می‌نامد و یا به وسیله نیروهای دیگر از بین برود. از این رو به نظر می‌رسد توجه صرف و بدون برنامه اصولی به این رویکرد، عدم توازن و تعادل بیشتری را در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای ایجاد خواهد کرد و با توجه به شرایط حاکم در جهان سوم به صورت علیت تسلسلی، قطب‌گرایی و تمرکزگرایی بیشتری را به وجود خواهد آورد (عباس پور، ۱۳۹۳: ۳۳). عدالت اجتماعی از جذابترین شعارهای مکاتب بشری در طول تاریخ بوده و در دهه‌های گذشته یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که دانشمندان علوم اجتماعی به آن توجه داشته‌اند. این امر برآمده از رویکرد واقع بینانه‌ی تمامی رشته‌های علوم انسانی به فرآیندهای نابرابری در جهان است (مرصوصی، ۱۳۸۳: ۲۰). دیوید هاروی، عدالت اجتماعی را در کمک به خیر و صلاح همگانی، ملاک توزیع درآمد در مکانها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به کار می‌گیرد (شکوئی، ۱۳۷۸: ۱۴۱) وی ماهیت عدالت اجتماعی را بر پایه سه معیار مهم (نیاز، سود همگانی و استحقاق) مطرح می‌کند و معتقد است این سه معیار از جامعیت کاملی برخوردارند؛ به باور هاروی این سه معیار بسیار فراگیر است و معیارهای دیگری را نیز در بر می‌گیرد. همچنین درباره مفهوم سود همگانی در توزیع عادلانه بر این باور است که مسأله‌ی اصلی این است که تخصیص منابع به یک منطقه چگونه در وضع دیگر مناطق اثر می‌گذارد. از دیدگاه او، ناموزونی سرمایه‌گذاری منطقه‌ای را هنگامی میتوان پذیرفت که هدف آن از میان برداشتن مشکلات محیطی باشد و گر نه مانعی بر سر راه برآورده شدن نیازها و تأمین مصالح عمومی خواهد بود. هاروی در مورد یکی دیگر از اصول سه گانه توزیع عادلانه یعنی استحقاق بر آن است

که بر پایه‌ی اصل عدالت اجتماعی، تخصیص منابع بیشتر به گروه‌هایی که نیازمند خدمات بیشتر هستند؛ یا پذیرش هزینه‌های بیشتر برای نواحی پرخطر از دید اجتماعی، مورد نظر است. همچنین درباره توزیع عادلانه منطقه‌ای بیان می‌کند که نخستین گام در راه توزیع منطقه‌ای عادلانه، تعیین مفهوم هر یک از این سه معیار در چارچوب منطقه‌ای است. پس از آن باید ابزار مناسبی برای ارزشیابی و اندازه‌گیری توزیع بر پایه‌ی این معیارها به دست آورد و آمیزه‌ای از این سه معیار را در چارچوب نظریه‌ای برای ارزشیابی تخصیص منابع به مناطق گوناگون به کار گرفت، و مناطقی را که از این هنجارهای عدالت اجتماعی دورترند، تعیین کرد (Harvey, 1997:109-120).

رفاه اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای متشکل از خدمات، مؤسسات و نهادها برای تأمین زندگی مطلوب و برخورداری از موهبت‌های طبیعی و منابع اجتماعی تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر، طرفداران رفاه اجتماعی، معتقدند که جنبه‌های خاصی از زندگی اجتماعی نباید به دست خیال پردازی‌های بازار سپرده شود. این اهداف رفاهی شامل: تولید امکانات رفاهی معمول مانند بیمه بیکاری، بهداشت، آموزش، بازنشستگی و فقرزدایی می‌شود. در نظریات جدید موضوع دیگر برآورده شدن نیازها نیست؛ بلکه مهیا کردن شرایط از جمله وجود بیمه بیکاری را یک اولویت می‌دانند، در عین حال با مهیا کردن شرایط یعنی توزیع‌های مجدد رفاه اجتماعی (درآمد، پرداخت‌های نقدی و غیرنقدی و ...) شرایط رفاه را فراهم می‌آورند (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱: ۷۷). اجرای سیاست‌های حمایتی یکی از سیاست‌های مورد پذیرش کشورها در هر سطحی از توسعه اقتصادی، جهت افزایش رفاه اجتماعی است (اسلامی، ۱۳۹۳: ۵). در ایران بیشترین اقدامات حمایتی دولت به منظور گسترش عدالت و رفاه اجتماعی برای حمایت از اقشار محروم و آسیب پذیر جامعه از طریق سازمان‌های کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی صورت می‌پذیرد و دولت و متولیان امر همواره کوشیده‌اند تا با تدوین مجموعه‌هایی از سیاست‌های اقتصادی و بهره‌گیری از مکانیسم‌های اقتصادی این اهداف و آرمان‌ها را به فعلیت درآورند (محمدپور و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲۱).

اما همانطور که توسعه‌یافتگی در کشورهای مختلف جهان دارای مراتب گوناگون است، در داخل یک کشور نیز روند توسعه‌یافتگی در بین استانها و مناطق مختلف یکسان نمی‌باشد. توسعه‌یافتگی کشور با توجه به توزیع فضای ناهمگن منابع و همچنین عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی مناطق، ممکن است دارای روندی متناسب نباشد به عبارت دیگر به علت امکانات بالقوه منطقه‌ای، توسعه‌یافتگی استان‌های کشور ممکن است در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدمات با یکدیگر متجانس نباشد (مولایی، ۱۳۸۶: ۲۴۲). سطح بندی توسعه، روشی برای سنجش توسعه مناطق است که اختلاف مکانی، فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق را نشان می‌دهد و وضعیت هر یک از مناطق را نسبت به یکدیگر از نظر سطح توسعه مشخص می‌کند (جدیدی میاندشتی، ۱۳۸۳: ۱۸). در کشور ما سیاست‌های غیراصولی گذشته در مکان‌یابی‌های صنعتی و خدماتی در قطب‌های رشد و روند تمرکزگرایی در تک شهر مسلط و مادر شهر ناحیه‌ای موجبات اصلی نابرابری‌های ناحیه‌ای بوده است (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۹۰). وجود این نابرابری‌ها سبب گردیده که شکاف توسعه بین نواحی توسعه یافته و محروم روز به روز بیشتر شده و عدالت اقتصادی و اجتماعی مفهوم خود را از دست بدهد، محرومیت نواحی محروم تداوم یابد و نواحی مرکزی امکانات را در خود متمرکز کنند. این امر نه تنها باعث رشد و توسعه کشور نشده، بلکه روند کلی توسعه را نیز ناعادلانه تر و آهسته تر کرده است (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۶).

مولایی در سال ۱۳۸۶: در پژوهشی به بررسی درجه توسعه‌یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران پرداخته است. در این تحقیق، پژوهشگر به بیان این موضوع می‌پردازد که، عموماً سطح توسعه‌یافتگی در بین بخش‌های مختلف اقتصادی یک کشور همانند مناطق آن یکسان نمی‌باشد، بلکه در بخش‌های صنعتی، کشاورزی و خدمات و رفاه اجتماعی یک کشور عدم تجانس و ناهمگنی به چشم می‌خورد و این امر ضرورت مطالعه روند توسعه‌یافتگی را در میان استان‌های یک کشور از لحاظ اقتصادی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. ارائه خدمات و رفاه در مناطق مختلف باعث کاهش فقر می‌شود و شرایط را برای تربیت و رشد سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها فراهم می‌نماید. لطیفی و سجاسی قیداری (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان "رتبه بندی سطح رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان" به بررسی وضعیت رفاه اجتماعی در استان زنجان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان دهنده نابرابری در مقوله رفاه اجتماعی در بین شهرستان‌های استان زنجان است، به

این صورت که در این رتبه بندی، شهرستان زنجان و شهرستان خدابنده به ترتیب بالاترین و پایین ترین رتبه را در رتبه بندی شهرستان های استان زنجان بر اساس شاخص های رفاه اجتماعی به خود اختصاص داده اند.

زیاری و همکاران در سال ۱۳۸۹ در پژوهشی به سنجش درجه توسعه‌یافتگی استان آذربایجان شرقی پرداختند. نتایج بدست آمده از این پژوهش بیانگر آن است که از میان شهرستان های استان به لحاظ برخورداری از شاخص های توسعه تفاوت اساسی وجود دارد و این شهرستان‌ها قابل رتبه بندی در سه گروه برخوردار، نیمه برخوردار و محروم هستند که با گذشت زمان بر میزان برخورداری آنها افزوده شده است. تقوایی و بهاری (۱۳۹۱) در پژوهشی به سطح بندی و سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان مازندران پرداختند. یافته های این پژوهش نشان می‌دهد که بین شهرستان های این استان به لحاظ شاخص های توسعه اختلاف وجود دارد و نتیجه به کارگیری تکنیک تحلیل عاملی، شهرستان ها را در ۵ سطح بسیار برخوردار، برخوردار، نسبتا برخوردار، محروم و بسیار محروم قرار داده که شهرستان های سوادکوه و رامسر در سطح بسیار برخوردار و شهرستان های نکاء و گلوگاه در سطح بسیار محروم واقع شده اند. نسترن و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان این موضوع که تغییرات اجتماعی- اقتصادی دهه های اخیر عدم تعادل ناحیه ای و تمرکز بیش از حد امکانات در برخی نقاط (کوژه ای توسعه) و محرومیت دیگر نقاط (مغاک عقب ماندگی) را در پی داشته است، به بررسی توسعه یافتگی یا نحوه برخورداری شهرستانهای کل کشور پرداخته اند. در این تحقیق با بهره گیری از شاخص ترکیبی سطوح چهارگانه برخورداری (ورابرخوردار، فرابرخوردار، میان برخوردار و فروبرخوردار) ایجاد و جایگاه هر یک از شهرستانها را در این سطوح مشخص شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که ۱۱۲ شهرستان کشور در سطح میان برخوردار و ۳۳ شهرستان در سطح فروبرخوردار قرار دارند.

محقق کی کمال و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان "تخمین شاخص ترکیبی رفاه اجتماعی برای شرایط ایران" تلاش نمودند تا شاخص مناسبی برای سنجش رفاه اجتماعی کشور تدوین نمایند. بر این اساس شاخص رفاه اجتماعی، بهترین و بدترین عملکرد در کشور، به ترتیب به سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۶۸ مربوط بوده است. میره ای و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود جهت تعیین سطوح توسعه یافتگی در استان لرستان از ۲۶ شاخص در قالب چند متغیر بهداشتی، کشاورزی، آموزشی و انسانی بهره گرفته اند. نتایج تحقیق نشان دهنده عدم توزیع هماهنگ امکانات و خدمات در شهرستان های این استان می‌باشد. به شکلی که شهرستان های خرم آباد و بروجرد از لحاظ برخورداری از جمیع امکانات و خدمات نسبت به دیگر شهرستان های استان در رتبه های نخست و شهرستان های پلدختر و کوهدشت در رتبه‌های آخر قرار دارند. موسوی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه ای به اولویت‌بندی شهرستان‌های استان خراسان رضوی بر اساس شاخص‌های توسعه خدمات بهداشتی در چهار سطح (فرا برخوردار، برخوردار، نیمه برخوردار، فرو برخوردار) پرداخته اند. نتایج تحقیق بیانگر این است که شهرستان مشهد به عنوان مرکز اداری سیاسی و اقتصادی استان، برخوردارترین شهرستان از لحاظ شاخص‌های خدمات بهداشتی درمانی بوده و اختلاف چشمگیری با سایر شهرستان‌های استان دارد. در سطح دوم توسعه‌یافتگی شهرستان‌های نیشابور و سبزوار قرار دارند و بقیه شهرستان‌ها در سطح نیمه برخوردار و فرو برخوردار جای دارند.

روش تحقیق:

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش بررسی آن توصیفی- تحلیلی است. اطلاعات این پژوهش از روش کتابخانه ای و میدانی بدست آمده است. جامعه آماری تحقیق شهرستان های استان سیستان و بلوچستان مشتمل بر ۱۹ شهرستان با توجه به تقسیمات سیاسی اداری سال ۱۳۹۵ می باشد. به منظور تعیین سطوح برخورداری شهرستان های استان اطلاعات مورد نیاز از سالنامه آماری سال ۱۳۹۳ و از بخش مرتبط با عملکرد سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام (ره) و تأمین اجتماعی استخراج شده اند. در این پژوهش برای تعیین میزان برخورداری شهرستان های استان از تکنیک های تاپسیس و مدل توسعه یافتگی مورس استفاده گردیده است. در این پژوهش وزن دهی معیارها در روش تاپسیس بر اساس آنتروپی شانون انجام شده است. روش دیگری که در این پژوهش بکار گرفته شده است روش مورس است. در این پژوهش برای مشخص نمودن میزان برخورداری شهرستان- های استان از خدمات رفاه اجتماعی از ۲۰ شاخص به شرح جدول ذیل (جدول ۱) استفاده شده است.

جدول ۱- شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

ردیف	شاخص	ردیف	شاخص
X1	تعداد مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست	X11	تعداد بیمه شدگان اداره سلامت
X2	تعداد مراکز آسیب‌های اجتماعی	X12	تعداد مراکز فیزیوتراپی به ازای ۱۰۰۰ نفر
X3	تعداد مهدهای کودک به ازای ۱۰۰۰ نفر	X13	تعداد مراکز بینایی‌سنجی به ازای ۱۰۰۰ نفر
X4	تعداد مراکز نگهداری معلولان به ازای ۱۰۰۰ نفر	X14	تعداد مراکز ارتوپدی فنی به ازای ۱۰۰۰ نفر
X5	تعداد مراکز نگهداری از سالمندان	X15	تعداد مراکز ترک اعتیاد به ازای ۱۰۰۰ نفر
X6	تعداد واحدهای امدادی کمیته امداد امام(ره)	X16	تعداد خانوارهای مستمری‌بگیر اداره کل بهزیستی
X7	تعداد خانوار مورد حمایت کمیته امداد امام(ره)	X17	تعداد ایتام مورد حمایت کمیته امداد امام(ره)
X8	تعداد خانوار با سرپرست زن مورد حمایت	X18	تعداد وام‌های اشتغالی
X9	تعداد سالمندان مورد حمایت	X19	تعداد وام‌های قرض الحسنه اعطایی
X10	تعداد افراد تحت پوشش اداره کل تامین اجتماعی	X20	تعداد کمک هزینه ازدواج

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

محدوده مورد مطالعه:

سیستان و بلوچستان بعنوان پهناورترین استان کشور در جنوب شرق ایران با وسعتی حدود ۱۸۷۵۷۸ کیلومترمربع، معادل ۱۱/۴ درصد از کل مساحت کشور را تشکیل داده است. این استان از نظر عرض جغرافیایی بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و به لحاظ طول جغرافیایی بین ۵۸ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۱ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار مبدأ قرار گرفته است. این استان در شمال به استان خراسان جنوبی و کشور افغانستان، در شرق با مرز خاکی حدود ۱۲۶۰ کیلومتری به کشورهای پاکستان و افغانستان، در جنوب با مرز آبی ۳۰۰ کیلومتری به آب‌های آزاد دریای عمان و بالاخره در مغرب به استانهای کرمان و هرمزگان محدود می‌شود.

بحث و ارائه یافته‌های تحقیق:

در این بخش بمنظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از تکنیک‌های تاپسیس و مدل توسعه یافتگی موریس استفاده شده است. برای مشخص نمودن میزان برخورداری و رتبه هر شهرستان در ابتدا شاخص‌های مورد استفاده مطابق جداول زیر وزن دار شده تا با استفاده از این جداول رتبه بندی شهرستان‌ها ممکن گردد. جدول (۲) نشان دهنده شکل استاندارد شده ماتریس مقادیر شاخص‌ها با استفاده از روش موریس است. روش موریس یکی از جدیدترین و کاربردی‌ترین تکنیک‌های برنامه ریزی است. این روش جایگاه توسعه یافتگی هر یک از واحدها را تعیین و سپس به رتبه بندی نواحی می‌پردازد.

جدول ۲- ماتریس استاندارد وزن دار شده شاخص‌ها (روش موریس)

ردیف	شاخص	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10
۱	ایران‌شهر	۰	۴۱,۶۷	۷۹,۵۴	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۱۲	۲۳,۰۷
۲	چابهار	۱۴,۲۸	۳۳,۳۳	۶۴,۷۸	۰	۰	۰	۰	۰	۳۶	۱۵,۳۸
۳	خاش	۰	۴۱,۶۷	۷۵	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۱۲	۲۳,۰۷
۴	دلگان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷,۶۹
۵	زابل	۱۴,۲۸	۶۶,۶۷	۱۰۰	۰	۱۰۰	۰	۱۰۰	۰	۳۶	۳۸,۴۶
۶	مهرستان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-۷,۶۹
۷	زاهدان	۱۰۰	۱۰۰	۸۴,۰۹	۵۰	۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۶,۷	۱۰۰	۱۰۰
۸	زهک	۰	۴۱,۶۷	۳۴,۰۹	۳۳,۳۳	۰	۰	۰	۰	۱۲	۷,۶۹
۹	سراوان	۱۴,۲۸	۵۰	۹۵,۴۵	۱۶,۶۷	۰	۱۰۰	۰	۰	۳۶	۰
۱۰	سرباز	۰	۸,۳۳	۴۴,۳۱	۳۳,۳۳	۰	۰	۰	۰	۰	۱۵,۳۹
۱۱	سیب و سوران	۰	۸,۳۳	۶۵,۹	۰	۰	۰	۰	۰	۴	-۷,۶۹
۱۲	فنوج	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-۲۳,۰
۱۳	قصرقند	۰	۰	۶,۸۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-۱۵,۳
۱۴	کنارک	۰	۰	۲,۲۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۵	میرجاوه	۲۸,۵۷	۰	۰	۱۶,۶۷	۰	۰	۰	۰	۰	-۷,۶۹
۱۶	نیکشهر	۱۴,۲۸	۱۶,۶۷	۵۴,۵۴	۱۰۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۰	۲۳,۰۷
۱۷	نیمروز	۰	۰	۰	۱۶,۷	۰	۰	۰	۰	۰	-۷,۶۹
۱۸	هامون	۰	۰	۰	۱۶,۷	۰	۰	۰	۰	۰	-۷,۶۹
۱۹	هیرمند	۰	۰	۰	۳۳,۳۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ردیف	شاخص	X11	X12	X13	X14	X15	X16	X17	X18	X19	X20
۲۰	ایران‌شهر	۷۹,۱۹	۷۲,۶۲	۴۷,۶۴	۳۸,۹۴	۱۰۰	۲۹,۲۲	۴۷,۸۲	۵۱,۶۷	۶۳,۰۳	۳۷,۳۹
۲۱	چابهار	۴۹,۹۳	۴۴,۷۸	۴۶,۲۴	۵۳,۶۸	۴۴,۴۴	۲۶,۸۳	۴۹,۱۹	۲۳,۸۹	۴۴,۳۷	۳۱,۳۰
۲۲	خاش	۴۵,۲۰	۴۲,۰۴	۳۹,۶۱	۸۸,۴۲	۵۷,۷۳	۱۴,۹۳	۲۵,۷۲	۵۵,۴۳	۳۳,۹۹	۲۸,۰۴
۲۳	دلگان	۳۵,۹۳	۳۳,۲	۳۴,۸۸	۷۸,۹۴	۵۶,۰۶	۰	۱۷,۹۰	۶,۱۵	۲۵,۳۸	۳۲,۱۱
۲۴	زابل	۴۳,۵۷	۳۹,۹	۱۲,۳۵	۱۰۰	۷۸,۲۹	۳۲,۷۰	۴۵,۴۹	۱۰۰	۲۴,۵۱	۷۴,۷۹
۲۵	مهرستان	۲۴,۰۴	۱۸,۴۶	۲۶,۰۵	۱۰,۵۲	۱۳,۶۸	۰	۱۶,۴۱	۰	۱۴,۵۷	۲۱,۹۵
۲۶	زاهدان	۹۰,۳	۱۰۰	۱۶,۷۱	۵۷,۸۹	۹۶,۸۱	۱۰۰	۱۰۰	۳۴,۶۴	۱۰۰	۱۰۰
۲۷	زهک	۳۹,۸	۲۵,۳۲	۲۹,۲۲	۷۸,۹۴	۵۷,۸۱	۴,۳۲	۱۹,۵۸	۲۲,۱۶	۱۴,۱۲	۳۴,۱۴
۲۸	سراوان	۴۷,۶۴	۴۴,۴۹	۳۱,۲۵	۵۶,۸۴	۳۳,۴۳	۱۸,۶۷	۴۱,۲۹	۷۷,۰۶	۲۷,۰۱	۲۲,۳۵
۲۹	سرباز	۶۴,۸۸	۵۲,۲۷	۷۱,۹۴	۸۳,۱۵	۵۹,۳۶	۵,۹۲	۴۳,۶۸	۳۳,۲۷	۴۰,۷۶	۲۶,۰۱
۳۰	سیب و سوران	۳۰,۶۳	۲۴,۵۵	۲۹,۵۹	۳۷,۸۹	۲۴,۳۸	۰	۲۲,۶۷	۲۶,۵۸	۱۴,۲۰	۶,۹۱
۳۱	فنوج	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۲	قصرقند	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰,۱۶
۳۳	کنارک	۲۰,۶۵	۱۹,۴۷	۱۶,۹۴	۴۳,۱۵	۱۴,۸۱	۹,۵۷	۱۶,۷۸	۱۳,۶۷	۱۴,۸۷	۳,۶۵
۳۴	میرجاوه	۱۳,۹۴	۹,۶۳	۱۳,۸۸	۳۱,۵۷	۳۵,۴۹	۱,۸۷	۰	۰	۱۰,۳۸	۱۵,۰۴
۳۵	نیکشهر	۱۰۰	۸۰,۸۶	۱۰۰	۷۸,۹۴	۷۶,۴۴	۷,۵۹	۵۷,۲۱	۴۱,۱۵	۶۳,۰۲	۲۷,۲۳
۳۶	نیمروز	۲۴,۴۶	۱۶,۷۹	۲۰,۸۸	۲۹,۴۷	۸۱,۵۸	۰	۰	۰	۶,۱۲	۱۸,۶۹
۳۷	هامون	۳۴,۶۷	۲۱,۳۷	۲۴,۱۷	۱۴,۷۳	۶۸,۰۰	۰	۰	۰	۱۱,۹۲	۴۵,۹۳
۳۸	هیرمند	۲۷,۴۴	۲۰,۹۷	۲۱,۰۲	۵۷,۸۹	۶۶,۰۴	۰	۱۸,۲۶	۰	۱۵,۹۷	۵۲,۸۴

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

در ادامه برای مشخص نمودن میزان برخورداری و رتبه هر شهرستان با استفاده از تکنیک تاپسیس اقدام به نرمال نمودن ماتریس تصمیم‌گیری می‌نماییم (جدول ۳). در روش تاپسیس تعدادی گزینه و تعدادی معیار برای تصمیم‌گیری وجود دارد که باید با توجه به معیارها، گزینه‌ها رتبه‌بندی شوند، و یا اینکه به هر یک از آنها یک نمره کارایی اختصاص داده شود. محاسبه

نمرات در روش تاپسیس این است که گزینه‌ها تا حد امکان به گزینه ایده‌آل مثبت نزدیک و از گزینه ایده‌آل منفی دور باشد. بر این اساس یک نمره برای هر گزینه محاسبه می‌شود و گزینه‌ها مطابق این نمرات رتبه بندی می‌شوند.

جدول ۳- ماتریس استاندارد وزن دار شده شاخص‌ها (تاپسیس)

شاخص	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10
ایران‌شهر	۰	۰,۱۳	۰,۰۶	۰	۰	۰,۲۵	۰	۰	۰,۰۴	۰,۰۷
چابهار	۰,۰۶	۰,۱۱	۰,۰۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۱۲	۰,۰۶
خاش	۰	۰,۱۱	۰,۰۶	۰	۰	۰,۲۵	۰	۰	۰,۰۳	۰,۰۶
دلگان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۰۴
زابل	۰,۰۴	۰,۰۸	۰,۰۷	۰	۰,۱۷	۰	۰,۱۵	۰	۰,۰۷	۰,۰۶
مهرستان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۰۱
زاهدان	۰,۱۸	۰,۰۸	۰,۰۶	۰,۱۳	۰	۰,۰۰۳	۰,۱۷	۰,۰۳	۰,۱۶	۰,۱۰
زهک	۰	۰,۰۳	۰,۰۲	۰,۰۸	۰	۰	۰	۰	۰,۰۲	۰,۰۲
سراوان	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۰۷	۰,۰۴	۰	۰,۰۰۳	۰	۰	۰,۰۵	۰,۰۱
سرباز	۰	۰,۰۰۵	۰,۰۳	۰,۰۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۰۲
سیب و سوران	۰	۰,۰۰۳	۰,۰۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۰۰۳	۰,۰۰۵
فتوح	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
قصرقند	۰	۰	۰,۰۰۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۰۰۲
کنارک	۰	۰	۰,۰۰۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۰۰۷
میرجاوه	۰,۰۰۹	۰	۰	۰,۰۰۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۰۰۵
نیکشهر	۰,۰۰۴	۰,۰۰۶	۰,۰۳	۰,۰۴	۰	۰	۰	۰,۱۲	۰	۰,۰۱
نیمروز	۰	۰	۰	۰,۰۰۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۰۰۴
هامون	۰	۰	۰	۰,۰۰۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۰۰۴
هیرمند	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۰۰۷
شاخص	X11	X12	X13	X14	X15	X16	X17	X18	X19	X20
ایران‌شهر	۰,۲۶	۰,۲۶	۰,۱۷	۰,۱۲	۰,۱۳	۰,۱۷	۰,۲۰	۰,۲۱	۰,۱۹	۰,۰۶
چابهار	۰,۱۷	۰,۱۷	۰,۱۷	۰,۱۷	۰,۱۵	۰,۱۶	۰,۲۱	۰,۱۰	۰,۱۴	۰,۰۵
خاش	۰,۱۴	۰,۱۵	۰,۱۲	۰,۲۶	۰,۱۷	۰,۰۷	۰,۱۳	۰,۲۰	۰,۰۹	۰,۰۴
دلگان	۰,۱۰	۰,۰۷	۰,۱۰	۰,۲۳	۰,۱۶	۰	۰,۰۶	۰,۰۲	۰,۰۶	۰,۰۴۵
زابل	۰,۱۳	۰,۱۲	۰,۰۳	۰,۳۱	۰,۲۴	۰,۱۲	۰,۱۵	۰,۳۴	۰,۰۶	۰,۱۰
مهرستان	۰,۰۷	۰,۰۶	۰,۰۷	۰,۰۳	۰,۰۴	۰	۰,۰۵	۰	۰,۰۳	۰,۰۳
زاهدان	۰,۲۸	۰,۳۳	۰,۰۵	۰,۱۷	۰,۳۱	۰,۴۰	۰,۳۵	۰,۱۳	۰,۲۵	۰,۱۵
زهک	۰,۱۳	۰,۰۹	۰,۰۸	۰,۲۳	۰,۲۰	۰,۰۲	۰,۰۸	۰,۰۸	۰,۰۴	۰,۰۵
سراوان	۰,۱۶	۰,۱۷	۰,۰۹	۰,۱۶	۰,۱۲	۰,۰۹	۰,۱۷	۰,۱۳	۰,۰۸	۰,۰۳
سرباز	۰,۲۳	۰,۲۰	۰,۲۲	۰,۲۴	۰,۲۱	۰,۰۲	۰,۱۸	۰,۱۵	۰,۱۲	۰,۰۴
سیب و سوران	۰,۱۱	۰,۱۰	۰,۰۹	۰,۱۱	۰,۰۹	۰	۰,۱۰	۰,۱۲	۰,۰۴	۰,۰۱
فتوح	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
قصرقند	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۱۷۶
کنارک	۰,۰۷	۰,۰۸	۰,۰۵	۰,۱۱	۰,۰۵	۰,۰۴	۰,۰۷	۰,۰۶	۰,۰۴	۰,۰۰۶
میرجاوه	۰,۰۵	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۸	۰,۱۳	۰,۰۰۹	۰	۰	۰,۰۳	۰,۰۲
نیکشهر	۰,۳۸	۰,۳۳	۰,۳۳	۰,۲۱	۰,۲۹	۰,۳۳	۰,۲۶	۰,۱۹	۰,۲۰	۰,۰۴
نیمروز	۰,۱۱	۰,۰۸	۰,۰۸	۰,۰۸	۰,۳۴	۰	۰	۰	۰,۰۲	۰,۰۳
هامون	۰,۱۶	۰,۱۰	۰,۱۰	۰,۰۴	۰,۳۱	۰	۰	۰	۰,۰۴	۰,۰۸
هیرمند	۰,۱۳	۰,۱۰	۰,۰۸	۰,۱۶	۰,۳۳	۰	۰,۰۸	۰	۰,۰۵	۰,۰۹

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

بعد از تشکیل جداول (۲) و (۳) و نرمال نمودن مقادیر شاخص‌ها مورد بررسی، با استفاده از ضرایب بدست آمده رتبه بندی شهرستان‌های مختلف و میزان برخورداری آنها مشخص می‌گردد. (جدول ۴).

جدول ۴- نتایج رتبه‌بندی شهرستان‌های استان با استفاده از روش موریس و تکنیک تاپسیس

شهرستان	موریس		تاپسیس	
	شاخص اولویت	رتبه	شاخص اولویت	رتبه
ایران‌شهر	۳۵,۸۲	۴	۰,۵۱۳۹	۲
چابهار	۲۵,۱۵	۸	۰,۴۱۴	۶
خاش	۲۹,۹۹	۶	۰,۴۴۴	۵
دلگان	۱۳,۸۳	۱۰	۰,۲۸۷	۱۳
زابل	۴۳,۷۶	۲	۰,۴۴۷	۴
مهرستان	۶,۰۰۱	۱۷	۰,۱۹۸	۱۶
زاهدان	۶۷,۲۶	۱	۰,۵۳۸	۱
زهک	۱۹,۷۵	۹	۰,۳۲۳	۹
سراوان	۳۰,۹۷	۵	۰,۳۹۴	۸
سرباز	۲۵,۳۳	۷	۰,۴۱۵	۷
سیب و سوران	۱۲,۵۲	۱۲	۰,۲۷۰	۱۴
فnoj	۰,۰۳۳	۱۹	۰,۱۵۲	۱۷
قصرقند	۰,۰۶۹	۱۸	۰,۰۰۲۹	۱۸
کنارک	۷,۶۴	۱۵	۰,۲۳۲	۱۵
میرجاوه	۷,۳۶۴	۱۶	۰,۰۰۲۸	۱۹
نیکشهر	۴۰,۹۱	۳	۰,۵۰۲	۳
نیمروز	۹,۰۰۰۵	۱۴	۰,۲۹۱	۱۲
هامون	۹,۹۹۱	۱۳	۰,۲۹۷	۱۱
هیرمند	۱۳,۶۴۳	۱۱	۰,۳۲۲	۱۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

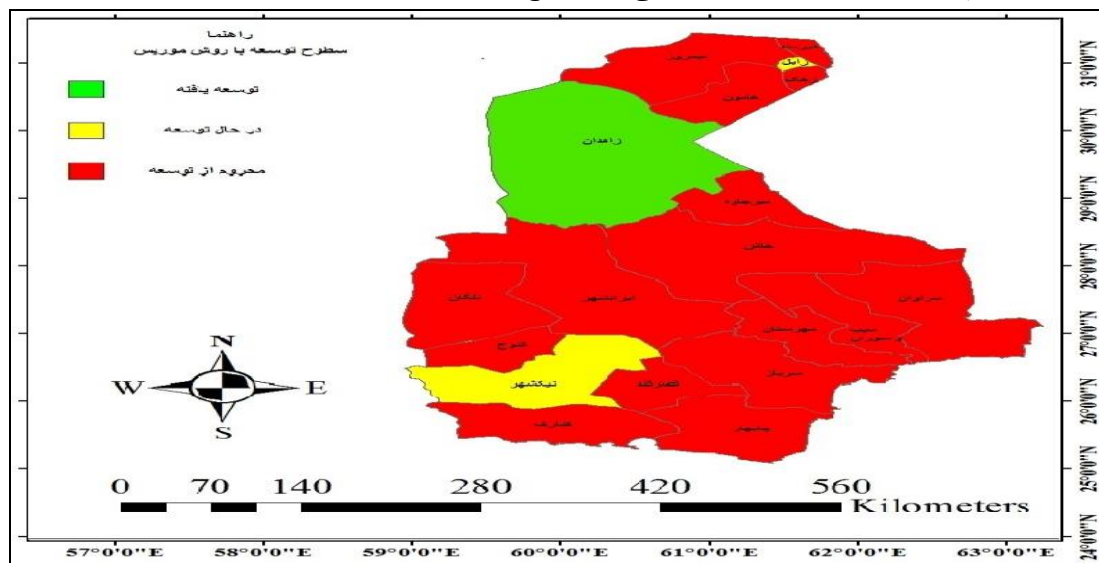
جدول شماره (۴) نشان دهنده رتبه‌بندی شهرستان‌های استان از لحاظ برخورداری آنها از خدمات رفاه اجتماعی با استفاده از تکنیک تاپسیس و روش موریس است. دلیل استفاده از این دو تکنیک، مقایسه و اعتبار سنجی نتایج بدست آمده پژوهش از این دو روش است. در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها در روش تاپسیس ابتدا با استفاده از تکنیک آنتروپی شانون به وزن دهی شاخص‌ها پرداخته شده است. آنتروپی بیان‌کننده مقدار عدم اطمینان در یک توزیع احتمال پیوسته است. وجود وزن‌های بدست آمده از طریق این تکنیک دلیل تفاوت نسبی نتایج در دو روش تاپسیس و موریس است. همانگونه که از جدول (۴) پیدا است، بر اساس روش موریس به ترتیب شهرستان‌های زاهدان، زابل، نیکشهر و ایران‌شهر برخورداری شهرستان‌ها و شهرستان‌های فنوج، قصرقند، مهرستان و میرجاوه کم‌برخوردارترین شهرستان‌های استان از لحاظ برخورداری آنها از خدمات رفاه اجتماعی می‌باشند. جدول بالا همچنین نشان دهنده رتبه بندی شهرستان‌های استان با استفاده از تکنیک تاپسیس است که براساس این تکنیک نیز، شهرستان‌های زاهدان، ایران‌شهر، نیکشهر و زابل برخورداری شهرستان‌های استان با استفاده از تکنیک و شهرستان‌های میرجاوه، قصرقند، فنوج و مهرستان کم‌برخوردارترین شهرستان‌های استان می‌باشند. نتایج حاصل از هر دو تکنیک گویا این موضوع است که؛ زاهدان بعنوان مرکز استان، برخورداری شهرستان‌های استان است. در کنار شهرستان زاهدان، شهرستان‌های زابل، ایران‌شهر و نیکشهر در هر دو روش در مقایسه با شهرستان‌های دیگر استان از برخورداری شهرستان‌های استان به حساب می‌آیند. همچنین نتایج هر دو تکنیک مشخص نمود شهرستان‌های میرجاوه و فنوج محروم‌ترین شهرستان‌های استان هستند. براساس ضرایب توسعه یافتگی در روش موریس می‌توان شهرستان‌های استان را طبق جدول (۵) به سه سطح توسعه یافته (برخوردار) در حال توسعه (نیمه برخوردار) و کمتر توسعه یافته (محروم) تقسیم بندی نمود.

جدول ۵- سطح بندی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان براساس مدل موریس

سطح بندی توسعه یافتگی	ضریب توسعه یافتگی
توسعه یافته (برخوردار)	بیشتر از ۶۰
در حال توسعه (نیمه برخوردار)	۴۰-۶۰
کمتر توسعه یافته (محروم)	کمتر از ۴۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

نتایج جدول (۵) نشان دهنده این موضوع است، از میان شهرستان‌های استان به تنهایی شهرستان زاهدان با ضریب ۶۷,۲۶ در سطح برخوردار (توسعه یافته) و شهرستان‌های زابل و نیکشهر با ضرایب ۴۳,۷۶ و ۴۰,۹۱ در سطح نیمه برخوردار قرار دارند. با توجه به نتایج بدست آمده سایر شهرستان‌های استان در سطح محروم یا کمتر توسعه یافته (شکل ۱) قرار دارند. با استفاده از روش تاپسیس نیز به کمک جدول (۶)، می‌توان سطح برخورداری شهرستان‌های استان را مشخص نمود.



شکل ۱- نمایش فضایی سطح برخورداری شهرستان استان با استفاده از روش موریس - (منبع: داده‌های پژوهش، ۱۳۹۶).

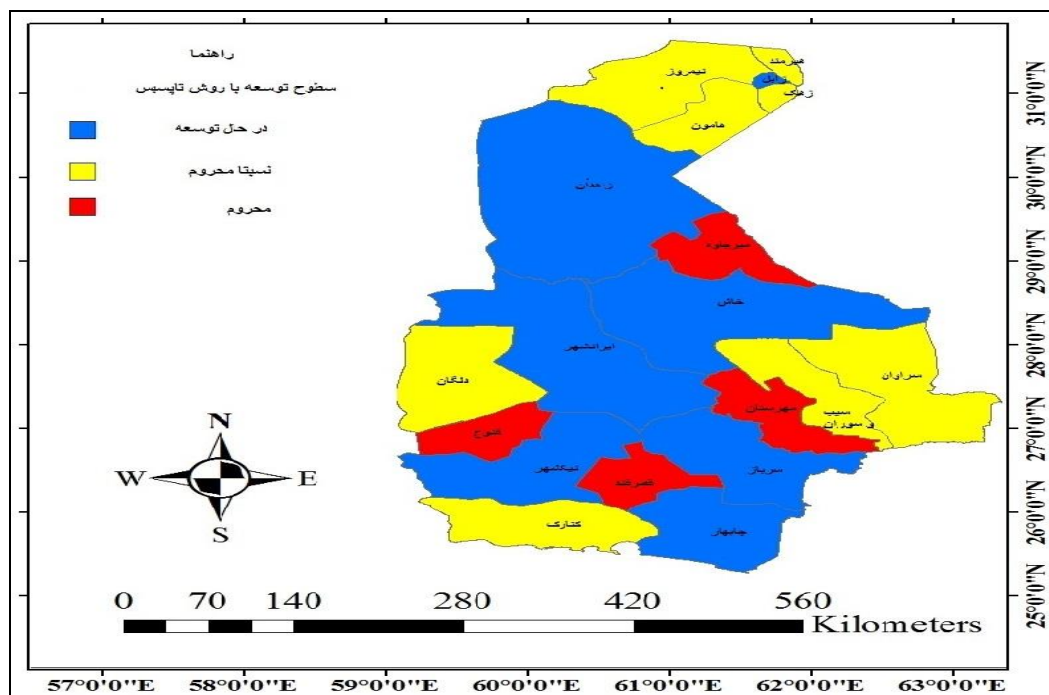
جدول ۶- مقادیر سنجش توسعه یافتگی در تکنیک تاپسیس

۰-۰,۲	۰,۲-۰,۴	۰,۴-۰,۶	۰,۶-۰,۸	۰,۸-۱	ارزش تاپسیس
محروم از توسعه	نسبتاً محروم	در حال توسعه	نسبتاً توسعه یافته	توسعه یافته	وضعیت توسعه

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

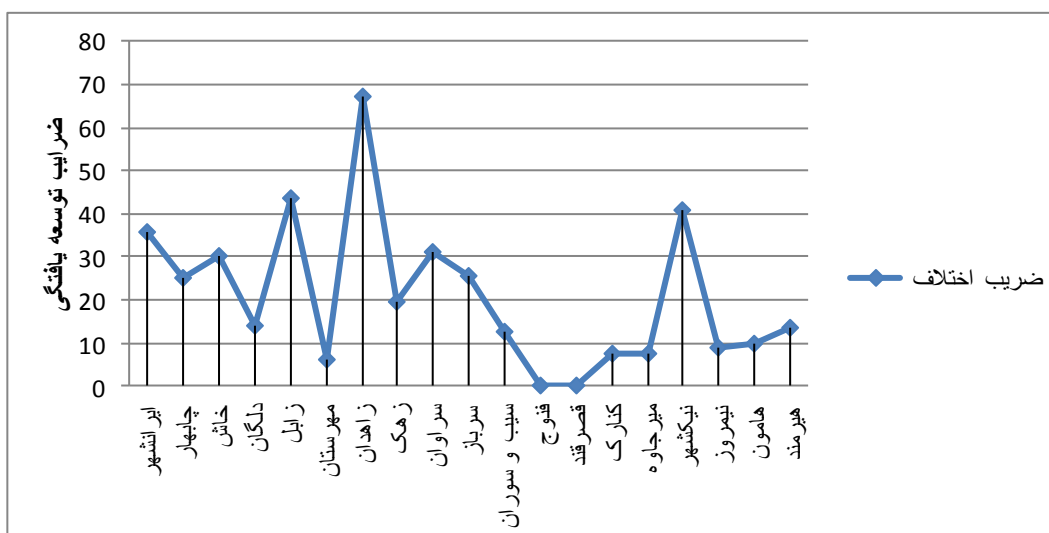
براساس سطوح توسعه یافتگی در تکنیک تاپسیس طبق جدول (۶)، نشان می‌دهد که بر اساس این تکنیک، شهرستان‌های استان در سه سطح از توسعه قرار دارند:

در سطح توسعه یافته و نسبتاً توسعه یافته، براساس نتایج جدول، هیچکدام از شهرستان‌های استان قرار نگرفتند. در سطح در حال توسعه به ترتیب شهرستان‌های زاهدان، ایرانشهر، نیکشهر، زابل، خاش، چابهار و سرباز قرار دارند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۳۶ درصد شهرستان‌های استان در وضعیت در حال توسعه قرار دارند. در سطح نسبتاً محروم از توسعه، ۸ شهرستان استان قرار دارند. در این سطح شهرستان‌های سراوان، زهک، هیرمند، نیمروز، هامون، هیرمند، فنوج، قصرقند، دلگان، سیب و سوران و کنارک قرار دارند. همچنین بر اساس جدول (۶) در سطح محروم از توسعه، ۴ شهرستان قرار می‌گیرند. شهرستان‌های مهرستان، فنوج، قصرقند و میرجاوه در این سطح قرار دارند. سهم شهرستان‌های نسبتاً محروم و محروم از توسعه از مجموع شاخص رفاه اجتماعی برابر با ۶۳ درصد می‌باشد. این یافته نشانگر این موضوع است که بیشتر شهرستان‌های این استان در وضعیت مناسبی از لحاظ برخورداری از امکانات رفاه اجتماعی قرار ندارند. (شکل ۲).

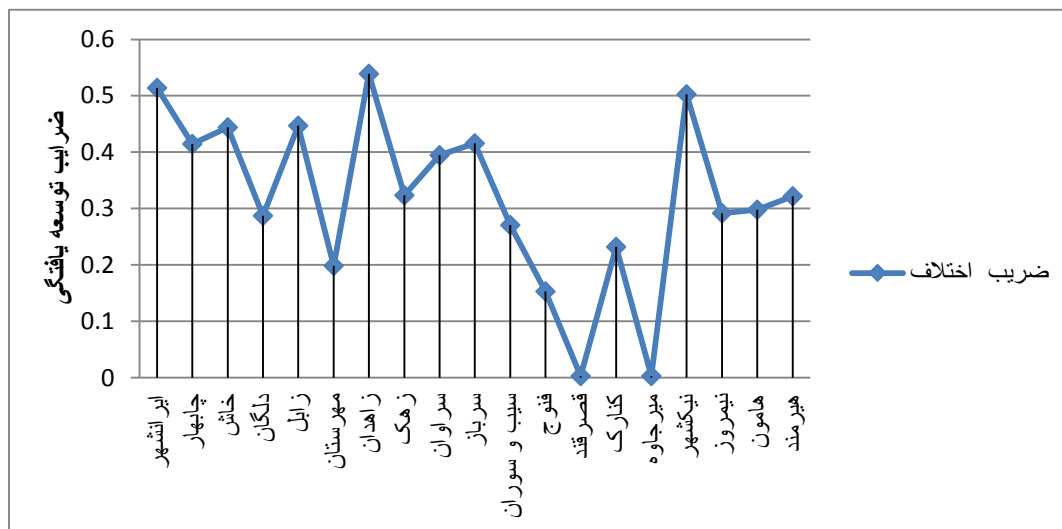


شکل ۲- نمایش فضایی سطح برخورداری شهرستان‌های استان با استفاده از تکنیک تاپسیس- (منبع: داده‌های پژوهش، ۱۳۹۶).

نتایج جدول ۴ گویای این موضوع است که شکاف و فاصله بالای بین شهرستان‌های برخوردار و کم برخوردار استان وجود دارد بگونه‌ای که این اختلاف و شکاف بر اساس شاخص موریس بین شهرستان زاهدان بعنوان برخوردارترین شهرستان با شهرستان فوج ۶۷ درصد و بر اساس تکنیک تاپسیس این شکاف بین شهرستان‌های زاهدان و میرجاوه ۵۳ درصد می‌باشد. شکل‌های (۳) و (۴) نشان دهنده شیب ضریب اختلاف یا شکاف بین سطح برخورداری شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان از لحاظ برخورداری آنها از خدمات رفاه اجتماعی است. همانگونه که از نمودارهای بالا مشخص است شکاف بین برخوردارترین شهرستان‌ها و کم برخوردارترین شهرستان‌های استان بسیار بالا می‌باشد و این موضوع نشان دهنده تمرکز بالای منابع و امکانات در شهرستان‌های برخوردار و محرومیت فزاینده شهرستان‌های کم برخوردار استان است.



شکل ۳- شیب ضریب اختلاف بین شهرستان‌های استان با استفاده از شاخص موریس- (منبع: داده‌های پژوهش، ۱۳۹۶).



شکل ۴- شیب ضریب اختلاف بین شهرستان‌های استان با استفاده از تکنیک تاپسیس- (منبع: داده‌های پژوهش، ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری:

کاهش نابرابری در بهره‌مندی از منابع، امکانات و ثروت‌های جامعه یکی از مهم‌ترین معیارهای توسعه به شمار می‌آید. مفهوم توسعه علاوه بر رشد اقتصادی، توزیع متعادل و عادلانه منابع و امکانات را نیز در بر می‌گیرد، توزیع متعادل امکانات و خدمات، گامی جهت از بین بردن تفاوت‌های ناحیه‌ای است. وجود نابرابری‌ها در مناطق مختلف سبب می‌گردد تا شکاف توسعه‌یافتگی بین نواحی توسعه‌یافته و محروم روز به روز بیشتر شده و عدالت اقتصادی و اجتماعی مفهوم خود را از دست دهد، محرومیت نواحی محروم تداوم یابد و نواحی مرکزی امکانات را در خود متمرکز کنند. در این پژوهش برای نمایش وضعیت رفاه اجتماعی استان سیستان و بلوچستان از ۲۰ شاخص مربوط به سازمان‌های بهداشتی، کمیته امداد امام (ره) و تأمین اجتماعی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش در خصوص سؤال اول تحقیق نشان دهنده این موضوع است که خدمات رفاه اجتماعی در استان پهناور سیستان و بلوچستان بصورت عادلانه توزیع نشده و شاهد شکاف بسیار زیادی بین برخوردارترین شهرستان (شهرستان زاهدان) و محروم‌ترین شهرستان‌های (با شهرستان فنوج ۶۷ درصد و با شهرستان میرجاوه ۵۳ درصد) استان هستیم. یافته‌ها در خصوص سؤال دوم تحقیق نشان می‌دهد که شهرستان‌های شمالی استان (زاهدان و زابل) در مقایسه با سایر شهرستان‌های استان از وضعیت مناسبتری برخوردارند و از لحاظ توسعه‌یافتگی در رتبه‌های بالاتری قرار دارند. همچنین در خصوص سؤال سوم تحقیق نشانگر این موضوع است که؛ اکثر شهرستان‌های تازه تاسیس استان (میرجاوه، فنوج، قصرقند، مهرستان، سیب و سوران، کنارک هیرمند، هامون و نیمروز) به لحاظ برخورداری از خدمات رفاه اجتماعی در وضعیت مناسبی قرار ندارند و تمام شهرستان‌های محروم استان از شهرستان‌های تازه تاسیس هستند. قابل ذکر است نتایج این پژوهش در خصوص توزیع ناعادلانه خدمات رفاه اجتماعی با نتایج سایر پژوهشگران از جمله میره‌ای و همکاران (۱۳۹۵)، تقوایی و بهاری (۱۳۹۱)، لطیفی و سجاسی قیداری (۱۳۹۰) و زیاری و همکاران (۱۳۸۹) همسو است. یافته‌های این پژوهشگران نیز نشان دهنده وجود شکاف زیاد در توزیع خدمات و امکانات در مناطق مختلف کشور است. استان سیستان و بلوچستان محروم‌ترین استان کشور است و برای رسیدن به سطح قابل قبولی از توسعه و رفاه، نیازمند برنامه‌ریزی مناسبی جهت برقراری تعادل درون- منطقه‌ای است تا شهرستان‌های استان در امر رفاه اجتماعی به سطح مناسبی دست یابند.

منابع و مأخذ:

۱. اجلالی، پرویز (۱۳۷۳): تحلیل منطقه‌ای و سطح بندی سکونتگاه‌ها، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۲. اسلامی، سیف‌الله (۱۳۹۳): «اندازه‌گیری شاخص رفاه اجتماعی طی چهار دهه گذشته در مناطق شهری کشور»، مجله اقتصادی، سال ۱۴، شماره ۵ و ۶، صص ۲۸-۵.

۳. امینی، فتانه و مصدق‌راد، علی محمد (زمستان ۱۳۹۴): «مدل برنامه ریزی استراتژیک در سازمان بهزیستی»، فصلنامه نواندیش سبز، سال نهم، شماره سی و شش، صص ۱۲-۵.
۴. تقوایی، مسعود و بهاری، عیسی (زمستان ۱۳۹۱): «سطح بندی و سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه ای»، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی محیطی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، دوره ۲۳، شماره ۴، صص ۳۸-۱۵.
۵. تودارو، مایکل (۱۳۷۸): توسعه اقتصادی در جهان سوم، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول، تهران.
۶. جدیدی میان دشتی، مهدی (۱۳۸۳): «توزیع متعادل منابع مالی به روش سطح بندی توسعه مناطق»، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۱۳۲-۱۰۷.
۷. حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰): برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات سمت، تهران.
۸. زیاری، کرامت‌اله. طاوسیان، علی. سلمانی، محمدعلی و رضایی، حجت (۱۳۹۳): «برآورد و سطح بندی توسعه محله ای با تأکید بر مؤلفه های سرمایه اجتماعی (موردی: محلات شهر ابرکوه)»، فصلنامه برنامه ریزی شهری، دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۷۶-۵۹.
۹. زیاری، کرامت اله. سعیدی رضوانی، نوید و بقال صالح پور، لیلا (۱۳۸۹): «سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان آذربایجان شرقی به روش (HDI)»، فصلنامه مدیریت بهره وری (فراسوی مدیریت)، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۹۵-۸۵.
۱۰. سرور، رحیم (۱۳۹۱): «سنجش میزان توسعه یافتگی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی شهرهای استان آذربایجان شرقی»، فصلنامه جغرافیا، سال ۱۰، شماره ۳۵، صص ۸۲-۵۷.
۱۱. عباس پور، اکبر (۱۳۹۲): تعیین درجه توسعه یافتگی و رتبه بندی شهرستان های استان کرمان با تأکید بر تسهیلات بانکی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد، دانشگاه باهنر کرمان.
۱۲. قرخلو، مهدی و حبیبی، کیومرث (تابستان ۱۳۸۵): «تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه یافتگی استان های کشور با استفاده از تکنیک های برنامه ریزی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۱، شماره ۸۱، صص ۸۳-۵۹.
۱۳. قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۰): اقتصاد رشد و توسعه، نشر نی، تهران.
۱۴. لطیفی، غلامرضا و سجاسی قیداری، مجید (تابستان ۱۳۹۰): «رتبه بندی سطح رفاه اجتماعی شهرستان های استان زنجان با استفاده از تکنیک TOPSIS»، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۷، صص ۱۹۰-۱۶۵.
۱۵. محقق کمال، سید حسین. رفیعی، حسن. سجادی، حمیرا. عباسیان، عزت اله و رهگذر مهدی (بهار ۱۳۹۳): «تخمین شاخص ترکیبی رفاه اجتماعی برای شرایط ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۴، صص ۳۲-۷.
۱۶. محمدپور، احمد. بوستانی، داریوش و علیزاده، مهدی (تابستان ۱۳۹۱): «ارزیابی کیفی عملکرد سازمان های بهزیستی و کمیته امداد در کاهش فقر زنان سرپرست خانوار شهر ساری»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۳۵۲-۳۱۹.
۱۷. مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۳): تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران (مطالعه موردی: شهرداری تهران)، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۸. موسوی، میرنجف. ویسیان، محمد و حسینی، معصومه (زمستان ۱۳۹۵): «ارزیابی سطوح توسعه یافتگی خدمات بهداشتی-درمانی با مدل تصمیم گیری چند معیاره (مطالعه موردی: شهرستان های استان خراسان رضوی)»، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۹۷-۸۱.
۱۹. مولایی، محمد (بهار ۱۳۸۶): «مقایسه درجه توسعه یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان های ایران طی سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۶، صص ۲۵۸-۲۴۱.
۲۰. میره ای، محمد. عارفی، مسلم و رشنوفر، آیت (بهار ۱۳۹۵): «پژوهشی بر توسعه یافتگی و نابرابری های آن در استان لرستان»، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال ۶، شماره پیاپی ۲۱، صص ۱۶-۱.
۲۱. نسترن، مهین. ابوالحسنی، فرحناز. بختیاری، نرجس (بهار ۱۳۹۴): «پراکنش فضایی شاخص های توسعه در شهرستان های ایران با استفاده از رتبه بندی ترکیبی»، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۴-۱.
۲۲. هاروی، دیوید (۱۳۷۶): عدالت اجتماعی و شهر، چاپ اول، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
۲۳. هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۹۱): آاناتومی رفاه اجتماعی، انتشارات جامعه و فرهنگ، تهران.

24. Riddell, R. (2004): Sustainable Urban Planning Tipping the Balance. Wiley-Blackwell Publishing, New Jersey.

25. Thompson, H. (1994): *The Advantages And Disadvantages Of Different Social Welfare Strategies*. Social Security Bulletin, 57(3), pp: 3-11.